

## انعکاس معلولیت در آثار سینمایی بر مبنای الگوهای معلولیت

محمد سلطانی فر

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات [msoltanifar@yahoo.com](mailto:msoltanifar@yahoo.com)

پرینس افتخار

دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

[pari\\_eftekhar@yahoo.com](mailto:pari_eftekhar@yahoo.com) (مسئول مکاتبات)

### چکیده

**مقدمه و هدف پژوهش:** سینما، به عنوان یک منبع بزرگ اطلاعات در مورد معلولیت برای میلیون‌ها نفر از بینندگان عمل می‌کند و نمایش و بازنمایی معلولیت نیز نقش اساسی در چگونگی موقعیت افراد معلول در جامعه و درک و آگاهی جامعه از معلولیت دارد.

در دهه‌های اخیر در سایه پیشرفت فرهنگ و علوم، افزایش آگاهی‌های عمومی و تخصصی، انقلاب اطلاعات و ارتباطات و تلاش‌های انجمن‌های حامی افراد معلول شاهد تغییراتی در زمینه الگوهای نگرشی حاکم نسبت به مقوله معلولیت بوده‌ایم. به طوری که امروزه برنامه‌ها و اقدام‌های مربوط به احقاق حقوق افراد معلول یکی از شاخص‌های رشد فرهنگی و اجتماعی جوامع محسوب می‌شود و الگوی موجود کنونی تفاوت عمیق و اساسی با الگوهای پیشین کرده است.

**روش پژوهش:** در تحقیق حاضر سعی بر این بوده است که منتخب آثار سینمایی مربوط به دو دهه گذشته ایران و خارج در رابطه با معلولیت، از نظر محتوایی مورد تحلیل قرار گرفته و میزان انطباق آن با الگوهای معلولیت و کلیشه‌های رایج در این حوزه بررسی شود.

**یافته‌ها:** نتایج حاکی از آن است که انعکاس معلولیت در فیلم‌های ایرانی مورد تحلیل این پژوهش در حال عبور از الگوی فردی به الگوی اجتماعی معلولیت است ولی این امر تحقق کامل نیافته است. بازنمایی مبتنی بر کلیشه نیز، همچنان در این فیلم‌ها به چشم می‌خورد. انعکاس معلولیت در فیلم‌های خارجی مورد بررسی نیز انطباق زیادی با الگوی اجتماعی معلولیت داشته و میزان بازنمایی افراد معلول به صورت کلیشه‌ای کم بوده است.

**نتیجه‌گیری:** میزان انطباق فیلم‌های خارجی مورد تحقیق با الگوی اجتماعی معلولیت بیشتر از فیلم‌های ایرانی است در این فیلم‌ها کلیشه‌سازی از معلولیت کمتر به چشم می‌خورد.

**واژگان کلیدی:** معلولیت، آثار سینمایی، الگوی فردی معلولیت، الگوی اجتماعی معلولیت

## مقدمه

افراد معلولی که درگیر کارهای روزمره و زندگی هستند نمایش داده شود و در این میان فیلم ایزاری است که می‌توان از آن برای ایجاد همدلی و درک متقابل در این زمینه بهره برد.

## بیان مسئله

حضور بیش از یک میلیارد فرد دارای معلولیت در جهان که حدود ۱۵ درصد افراد دنیا را تشکیل می‌دهند، موضوع معلولیت را به مسئله‌ای مهم در جوامع انسانی تبدیل کرده است (UNenable 2012) و اگر خانواده‌های این قشر را نیز اضافه کنیم بیش از دو میلیارد نفر در جهان با معلولیت زندگی می‌کنند.

تلاش‌ها و حتی مبارزات افراد معلول و نهادهای مدنی دوستدار و حامی این افراد، افکار عمومی را با این واقعیت، مواجه کرد که معلولیت دایمی و موقتی - نظیر ناتوانی‌های جسمانی کهن‌سالان - در کمین هر انسانی است، مطالعات تاریخی نیز حاکی از تلاش مستمر افراد دارای معلولیت برای دستیابی به فرصت‌های برابر با دیگران است. اعمال و رفتاری همچون تبعیض، جداسازی، منزوی ساختن و نیز حذف و ریشه‌کنی افراد دارای معلولیت جسمی، ذهنی، روانی و اجتماعی شکل‌دهنده فضایی از ظلم و نابرابری برای آنان بوده است (کمالی ۱۳۸۳).

با وجود تمامی حرکت‌های وسیع و گسترده‌ای در کشورهای مختلف در راستای برچیدن تبعیض نسبت به حقوق افراد معلول و آموزش صحیح جامعه در برخورد و پذیرش صحیح معلولیت انجام پذیرفته است. هنوز هم در تمامی کشورهای جهان، بر سر راه افراد دارای معلولیت که به منظور کسب آزادی و حقوق انسانی خود، همچنین مشارکت کامل در فعالیت‌های جامعه می‌کوشند، موانعی وجود دارد (کمالی ۱۳۸۳). این افراد، با تحقیر و جلوگیری از دست‌یابی به جایگاه حقیقی

معلولیت با گستره بسیار وسیع خود؛ پیچیدگی‌های فراوانی را به همراه دارد که در فرهنگ‌های مختلف به صورت‌های گوناگون خود را نشان می‌دهد. زمان بسیار طولانی گذشته است تا تغییر باورها و نگرش‌ها نسبت به حقوق انسانی بشر پدیدار گشته و در این میان نگاهی نیز به حقوق افراد دارای معلولیت افکنده شده است. به نظر سیر تاریخی نگرش به معلولیت و برخورد با افراد معلول روند رو به رشد و تکاملی را داشته ولی همچنان کلیشه‌های گذشته رنگ و بوی خود را حفظ کرده و در میان برخی فرهنگ‌ها به ویژه جوامع در حال توسعه بیشتر به چشم می‌خورد.

رسانه‌های همگانی به دلیل تأثیر عمیق اجتماعی فرهنگی به‌طور اعم و البته رسانه سینما به دلیل ابعاد فراگیرش به‌طور اخص، از ارزش ویژه‌ای برخوردار است. سینما به‌عنوان نخستین وسیله ارتباط جمعی که باعث شکل‌گیری مخاطبان توده شده است، به صورت ابزار تقویت و انتقال ارزش‌های فرهنگی و اندیشه‌ها شناخته شده است و جای تردیدی باقی نمی‌گذارد که چرا «مارشال مک لوهان» از سینما به عنوان رسانه گرم نام می‌برد، چرا که پیام از طریق رسانه مانند آهن سرخی می‌ماند که نقش خود را بر جای می‌گذارد و نیازی به تلاش‌های ذهنی مخاطبان ندارد (مظفری ۱۳۸۸).

در جامعه کنونی نیز، تقریباً هر کسی به سالن‌های سینما می‌رود یا به تماشای فیلم در تلویزیون و سینمای خانگی می‌پردازد. برای خیلی از افرادی که تماس مستقیم با افراد دارای معلولیت ندارند، فیلم، بدون درنظر گرفتن صحت آن، به‌عنوان یک منبع اصلی اطلاعات در زمینه ماهیت معلولیت محسوب می‌شود.

در این عصر تکنولوژیک رسانه محور که بیشتر تکیه بر تصاویر بصری است واقع‌گرایی از اهمیت بسیاری برخوردار است، به شدت مورد نیاز است که تصاویر شخص محور مبتنی بر واقعیت و صحیحی از

برقدرتی در خارجی کردن نگرش‌ها و باورهای افراد به حساب می‌آیند.

نگرش‌ها، عقاید و طرز تلقی‌های غلط جامعه، مانع بزرگی برای افراد دارای معلولیت ایجاد می‌کنند و باز تولید این نگرش‌ها به ویژه اگر مبتنی بر واقعیت نباشند تأثیر خردکننده‌ای در شکل‌گیری هویت و همچنین روابط صحیح میان فردی و اجتماعی این افراد خواهد داشت.

راه‌های متنوعی برای به نمایش درآوردن معلولیت در رسانه‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. جنی موریس معتقد است «معلولیت، بیشتر احساسات افراد غیرمعلول و واکنشی است که آن‌ها فراتر از خود معلولیت، در برابر آن نشان می‌دهند از این جهت معلولیت برای فرد غیرمعلول ۱ و نویسنده‌ای که می‌خواهد از آن عبور کند قالب کنایی یا استعاره‌ای پیدا می‌کند و نویسندگان اغلب بر تبعیض، غفلت و ترسی که به طور عمومی نسبت به معلولیت وجود دارد، تکیه می‌کنند و می‌دانند که به تصویر کشیدن شخصیتی گوژپشت، بدون پا یا با یک زخم در صورت، به طور حتم احساسات خواننده یا مخاطب (بیننده) را برانگیخته خواهد کرد. هرچه معلولیت غالب استعاره‌ی بد و شرورانه‌تری به خود بگیرد و یا الغاگر احساسات ناخردانه‌تری باشد، کلیشه‌های فرهنگی بیش از پیش تأیید می‌شوند» (موریس ۲ ۱۹۹۱).

به نظر می‌رسد که بازنمایی معلولیت در رسانه‌های جمعی، در بیشتر کشورهای جهان، از الگوهای نسبتاً مشابهی پیروی می‌کند در دستورالعمل رسانه‌ای که سازمان بین‌المللی کار منتشر کرده است به این امر اشاره شده که «اگرچه برخی مستندات و برنامه‌های ویژه افراد معلول ساخته و پخش می‌شود با این وجود افراد معلول به ندرت به عنوان جزء و بخشی از برنامه‌های اصلی و متداول حضور و نقش دارند. زمانی که به تصویر کشیده می‌شوند غالباً برجسته زده شده، نمایش کلیشه‌ای

خود در جامعه با برجسته زنی‌های گوناگون قربانی شده‌اند.

نگرش‌های منفی، واپس‌گرا و باقیمانده از قرون گذشته رفته‌رفته از طریق رسانه‌ها جای خود را در فرهنگ دنیای جدید باز کرده و رسانه‌ها به شکل تابلویی گسترده برای انتقال این مفاهیم عمل کرده‌اند. باز تولید این مفاهیم مقاومت آن را در برابر هرگونه تغییری افزایش داده و مفهومی ذاتی در فرهنگ پیدا کرده‌اند. در این میان، انسان‌ها نیز در مسیر یادگیری و اجتماعی شدن در خصوص معلولیت، به صورت مستقیم و غیرمستقیم آموزش می‌بینند و نقش رسانه به ویژه سینما و تلویزیون به عنوان ابزارهای فرهنگ‌ساز در این آموزش و ارائه اطلاعات انکارناپذیر است.

#### اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

فرهنگ پدیده‌ای گروهی است، در حالی که افراد ممکن است به وجود آورنده اندیشه‌ها و رفتارها باشند به تنهایی فرهنگ را به وجود نمی‌آورند. فرهنگ از تعامل افراد با دیگران به وجود می‌آید و عملاً باور و یا رفتار یک فرد وقتی که حالت خارجی و هدفمند پیدا می‌کند بخشی از فرهنگ به حساب می‌آید. تلویزیون شاید مثال خوبی برای خارجی کردن و هدفمند کردن باشد؛ چرا که خود را نماینده یک مفهوم هدفمند از ارتباط انسانی می‌داند و مفاهیم (به شکل تصویر یا کلمه) عرضه شده در صفحه آن از دیگر مظاهر هدفمند کردن است. تلویزیون به عنوان یک واقعیت، دارای تأثیرات عاطفی و فیزیکی روی انسان‌ها است (محسنی، ۱۳۸۶).

سینما و فیلم نیز از این قاعده مستثنا نیستند و قادرند باورها و رفتارها را به صورت هدفمند نمایش داده و آن را جزئی از فرهنگ کنند. انتخاب کلمات، تصاویر و پیام‌هایی که از سوی آن‌ها ارسال می‌شود، ادراکات، نگرش‌ها و رفتارها را تعیین می‌کنند و اهرم

تصویر کشیدن افراد معلول منطبق و همخوان با اهداف کنوانسیون تشویق کنند (نباتی ۱۳۸۱).

### پیشینه تحقیق

با توجه به اینکه روند علمی تحلیل محتوا در ایران پیشینه زیادی ندارد و از سوی دیگر پژوهش‌های اجتماعی مرتبط با موضوع معلولیت نیز مورد بی‌توجهی قرار گرفته است به طبع تحلیل محتوای سینمای معلولیت نیز از این قاعده مستثنی نیست و امری است که تا به حال به آن به صورت علمی پرداخته نشده است؛ و اما در خصوص پیشینه تحقیقات در حوزه معلولیت و رسانه به صورت عام و تحلیل محتوای رسانه‌ها به صورت خاص، در خارج از کشور، می‌بایست اذعان داشت که کتاب‌ها و مقالات متعددی وجود دارد و کارهای ارزنده‌ای انجام گرفته است.

لارنس کارتر لانگ در سال ۲۰۰۵ در مقاله خود با عنوان آیا مردن بهتر از معلولیت است؟ دو فیلم سینمایی دریای درون و کودک میلیون دلاری را با موضوع خودکشی نقش اول فیلم که دارای معلولیت است، مورد مطالعه و بررسی عمقی قرار داده است. (کارتر<sup>۵</sup> ۲۰۰۵).

بیرد و لیوت، در تحقیق مشابهی که در سال ۱۹۸۵ انجام دادند ۱۰۵۱ فیلم را بررسی کردند و نتیجه این بود که ۱۱/۴٪ (n=۱۲۰) فیلم‌ها شامل ۱۵۴ شخصیت دارای معلولیت بودند که اکثر آن‌ها را افراد معلول ذهنی و روانی تشکیل می‌دادند.

این دو تن در سال ۱۹۸۸ تحقیقات بیشتری انجام دادند تا دریابند که غالباً چه تعداد شخصیت دارای معلولیت در فیلم‌های بلند حضور دارند در ۱۳۶ فیلم نمایش داده شده ۱۷۷ شخصیت دارای معلولیت وجود داشت که باز هم اکثر آن‌ها را افراد دارای معلولیت روانی تشکیل می‌داد (حدود ۴۲٪، معلولیت حسی

از آنان ارائه می‌شود، موضوعی برای ترحم و دلسوزی هستند و یا به عنوان موجودات مافوق بشری که سنبل استقامت و پایداری هستند، شناسانده می‌شوند.» (سازمان بین‌المللی کار<sup>۳</sup> ۲۰۱۰).

با توجه به این مسئله که افراد دارای معلولیت و مدافعان حقوق معلولیت امروزه برآند تا تصویرهای کلیشه‌ای از معلولیت را که مرتبط با فرهنگ مسلط جامعه هستند، اصلاح و معلولیت را به عنوان جزئی عادی از زندگی روزمره مردم در رسانه‌های غالب تصویر کنند ضرورت تلاش رسانه‌ها در انعکاس تصویری مبتنی بر واقعیت در جهت عادی‌سازی این امر بیش از پیش به چشم می‌خورد.

با توجه به این امر باید خاطر نشان کرد که میزان نحوه بازنمایی معلولیت در رسانه‌های همگانی ایران، مستلزم انجام تحقیقات و مطالعات مداوم است ولی متأسفانه در مقایسه با تحقیقات و پروژه‌های انجام گرفته در کشورهای دیگر، فاصله و خلأ اساسی در مطالعات معلولیت<sup>۴</sup> به‌ویژه در حوزه فرهنگی و اجتماعی در ایران به چشم می‌خورد.

لازم به ذکر است که در راستای پژوهش حاضر، ماده ۱۲ قانون حمایت از حقوق معلولان ایران، سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران را موظف می‌داند، حداقل ۲ ساعت از برنامه‌های خود را در هر هفته در زمان مناسب به برنامه‌های سازمان بهزیستی کشور و آشنایی مردم با توانمندی‌های افراد معلول اختصاص دهد (باختر ۱۳۸۶).

کنوانسیون حقوق افراد معلول نیز در ماده ۸ خود با عنوان آگاه‌سازی، خواستار افزایش آگاهی در میان جامعه از ظرفیت‌ها و مشارکت‌های افراد معلول و مبارزه با رفتارهای کلیشه‌ای، مضر و تعصبات در مورد آنان است. یکی از بندهای این ماده از دولت‌ها می‌خواهد که تمام سازمان‌های رسانه‌ای را در به

معلولیت را به وجود آورده و به کار می‌گیرند (MDRC, 2012).

### الگوی اخلاقی<sup>۱۱</sup>

در این الگو، به نحوی که دن گودلی اشاره کرده است، معلولیت به معنای نقصی است که به سبب لغزش اخلاقی یا گناه ایجاد شده و نشانگر شکست یا آزمایش ایمان فرد است پیامد چنین نگرشی، شرمساری فرد دارای معلولیت و خانواده او است که می‌بایست با ایمان و تحمل فزاینده به دنبال یافتن معنا و هدف در ابتلای به اصطلاح مصیبت وارده باشند (گودلی<sup>۱۲</sup> ۲۰۱۱).

در نظر نخست شاید چنین استنباط شود که این مدل در دوره اول نگرش تاریخی به معلولیت حاکم بوده است و در حال حاضر با پشت سر گذاردن این موقعیت تاریخی ردپا و اثری از آن برجای نمانده است و در صورتی که با نگاهی عمیق‌تر می‌توان مشاهده کرد که سلطه خود را همچنان بر اذهان حفظ کرده چنانکه چنین نگرشی را به راحتی در برنامه‌های تلویزیونی صدا و سیمای کشورمان نیز می‌توان یافت.

نکته قابل توجه در این مدل، چهره پارادوکسیکال موجود در آن است که برخی مواقع نیز روی دیگر نگرش دینی خود را نشان می‌دهد، در این روی سکه، سختی یا بلا یا و در مفهوم مورد نظر ما «معلولیت» صرفاً به بلا و عذاب الهی تحویل نمی‌شوند بلکه گاهی به آزمون یا حتی آموزش و تعلیم و چه بسا نعمتی خفی تفسیر می‌شود (disabled-world 2010).

مصدق شعر «اگر با من نبودش هیچ میلی، چرا ظرف مرا بشکست لیلی». این روی سکه دیدگاهی را تقویت کرده و می‌پذیرد که در آن فرد برای داشتن معلولیت انتخاب شده است و معصومیت و پاکی را می‌توان در نهاد او یافت و مشاهده کرد.

۱۴٪، اختلالات عصبی عضلانی و بیماری‌های قلبی ۱۰٪ و عقب‌ماندگی ذهنی ۳٪)

سفران، نیز به نتیجه مشابهی رسیده بود مبنی بر اینکه از میان فیلم‌های برنده جایزه اسکار با موضوع معلولیت، بیشترین تعداد را معلولیت روانی به خود اختصاص داده بود (بلک<sup>۱</sup> و پریتر<sup>۲</sup> ۲۰۰۷).

سفران، در تحقیقات کمی خود به این نتیجه رسید که تعداد فیلم‌های برنده جایزه اسکار با موضوع معلولیت از ۱۶/۷٪ در دهه ۱۹۷۰ به ۴۳٪ در دهه ۹۰ رسیده است (سفران و ادوک<sup>۳</sup> ۱۹۹۸).

باید، ویژگی‌های خاص شخصیت‌های دارای معلولیت مثل داشتن نقش اصلی یا فرعی، جنسیت، عادی بودن شخصیت و یا جذابیت آن، قربانی یا قهرمان فیلم بودن، عضویت در خانواده، روابط اجتماعی، طبقه اجتماعی، وضعیت اشتغال، رده سنی و نوع معلولیت را در فیلم‌ها مورد بررسی قرار داد. ۶۷ شخصیت دارای معلولیت در ۵۳ فیلم از ۳۰۲ فیلم بررسی شده وجود داشت. باید نتیجه گرفت فرد دارای معلولیتی که معمولاً نقش اصلی را بر عهده گرفته بود غالباً جنسیت مردانه داشت، از نظر فیزیکی وابسته و دارای شخصیت غیرعادی و قربانی ولی از نظر اجتماعی با شخصیت دیگر فیلم مرتبط بود از طبقه متوسط بدون شغل و میان سال بود (بایرد<sup>۴</sup> ۱۹۸۹).

### مبانی نظری تحقیق

#### الگوهای معلولیت<sup>۱۰</sup>

الگوهای معلولیت ابزاری هستند برای تعریف اختلال و معلولیت، این الگوها مبنایی را در اختیار جوامع و دولت‌ها قرار می‌دهد تا به وسیله آن راهکارهایی برای شناسایی و رفع نیازهای افراد معلول اندیشیده شده و فراهم آید. این الگوها، چارچوب مفیدی محسوب می‌شوند برای درک بهتر مسایل مبتلا به افراد معلول و نقطه نظرات کسانی که الگوهای

### الگوی پزشکی<sup>۱۳</sup>

الگوی اجتماعی، یک «جهش پارادایمی»<sup>۱۷</sup> بود که دیدگاهی تازه از معلولیت ارائه کرد؛ دیدگاهی که بر اساس برنز و دیگران قابل چشم‌پوشی به عنوان یک «موضوع اقلیتی» نبود. محققان الگوی اجتماع، از مشغولیت ذهنی نسبت به نقایص افراد فاصله گرفتند و توجه خود را معطوف به دلایل محرومیت<sup>۱۸</sup> از نظر اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و موانع ارتباطی و روانی کردند (گودلی، ۲۰۱۱).

ایور و بسیاری دیگر نیز معتقدند شکل‌گیری، پیدایش و مفصل‌بندی الگوی اجتماعی، توسط افراد معلول و سازمان‌های آنان DPO<sup>۱۹</sup> در اعتراض به مبنای الگوهای پیشین صورت گرفته و توسط خود آنان رشد کرده است.

فعالان حقوق افراد معلول در صدد ترویج الگوی حقوقی معلولیت<sup>۲۰</sup> (در مطالعات معلولیت انگلیس به معنای الگوی اجتماعی) بوده‌اند. مدلی که در آن تفاوت‌های فیزیکی تصدیق می‌شود ولی مشکل را در خود فرد نمی‌یابد بلکه آن را در جامعه‌ای می‌داند که می‌باید امکانات ساخت و ساز ساختمان‌ها، اشتغال، آموزش، نگرش و ارتباطات را به نحوی بهینه‌سازی کند که قابل دسترس برای همگان باشد (هالرا ۲۰۰۶).

الگوی اجتماعی، منکر مسائل و مشکلات معلولیت نیست ولی دلایل آن را دقیقاً در اجتماع می‌یابد، در این مدل، مشکل، محدودیت فرد نیست بلکه عدم کارکرد درست و قصور و کوتاهی سازمان اجتماعی است که نتوانسته خدمات مناسب و شایسته را در جهت رفع نیازهای افراد معلول در اختیار آنان قرار دهد.

از نظر ایور، معلولیت در واقع شامل تمام موانعی است که برای افراد معلول محدودیت ایجاد می‌کند اعم از پیش‌داوری‌های فردی تا تبعیض‌های حقوقی، ساختمان‌های عمومی مناسب‌سازی نشده، سیستم‌های حمل و نقل عمومی که قابل استفاده برای عموم نیست،

در این مدل برجسب نقص و معیوب بودن به افراد دارای معلولیت زده می‌شود، خدمات توان‌بخشی و پزشکی به آنان ارائه می‌شود، بازگشت به اجتماع تنها در صورتی ممکن است که فرد دارای نقص، به حالت طبیعی برگردد. افراد معلول کسانی هستند که باید مداوا شوند، تغییر کنند و بهبود یابند تا هرچه بیشتر به مردم طبیعی و عادی نزدیک شوند، آنان نیازمند تطبیق هرچه بیشتر خود با شرایط موجود هستند و این انطباق باید از طریق اقدامات پزشکی و توان‌بخشی صورت گیرد (Disabled world 2010).

درحالی‌که کلیسا (مذهب) از دیدگاه اخلاقی معلولیت سود می‌برد، مشاغل پزشکی از الگوی پزشکی آن منتفع می‌شوند. جنبش اصلاح نژاد انسان در اوایل قرن بیستم میلادی که با ظهور علم و سرمایه‌داری همراه بود، معلولیت را در فرد معیوب بی‌خاصیت قرار داد (فرنالده<sup>۱۴</sup> ۱۹۱۲). به گفته گودلی، نایدو<sup>۱۵</sup> معتقد است که علم پزشکی، معلولیت را به عنوان یک بیماری مزمن متفاوت (دیدگاه بیماری‌زایی) می‌بیند و نه جزیی از سلسله بیماری‌ها (جایگاه سلامتی). اثر منفی چنین نگرشی این است که مداخله، بیشتر برای افراد دارای معلولیت صورت می‌گیرد تا با آن‌ها و تحقیقات در این حوزه با کمک افراد خارج از گود و نه همراه با خود افراد معلول صورت می‌پذیرد و هیچ‌گونه نظرخواهی از آنان انجام نمی‌شود.

### الگوی اجتماعی<sup>۱۶</sup>

با آگاهی فزاینده از عوامل اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، اقتصادی و سیاسی که سبب ناتوان کردن افراد می‌شود و وقوف به این امر که معلولیت طبیعی نیست بلکه در جامعه ساخته می‌شود، به تدریج افراد معلول نیز انتقاد خود را نسبت به پزشکی‌گرایی نشان داده و دنبال راه‌های جایگزین بوده‌اند (گودلی ۲۰۱۱).

می‌گیرد. معلولیت در الگوی فردی یک تراژدی شخصی است که حاکی از نقص و کاستی در خود فرد است، بدشانس و حادثه وحشتناکی است که به صورت تصادفی برای افراد بدقبال رخ می‌دهد. اولیور تفاوت مدل فردی و اجتماعی را در جدولی به شرح زیر بیان کرده است (الیور، ۱۹۹۵).

جدول ۱: الگوهای معلولیت

مدل اجتماعی	مدل فردی
تئوری ظلم اجتماعی	تئوری تراژدی شخصی
مشکل اجتماعی	مشکل شخصی
اقدام اجتماعی	درمان فردی
کمک به خود	بستری شدن
مسئولیت فردی و جمعی	تسلط حرفه‌ای
تجربی	تخصصی
پذیرش	اصلاح
هویت جمعی	هویت فردی
تبعیض	پیش داوری
رفتار	نگرش
حقوق مدنی	مراقبت
انتخاب	کنترل
علم سیاست	سیاست‌مداری
تغییر اجتماعی	انطباق فردی

الگوی فردی فقط برای بهبود شرایط جسمی افراد معلول تلاش می‌کند ولی از نظر رفتاری و مشارکت افراد معلول در فعالیت‌های اجتماعی آن‌ها هنوز در حاشیه قرار دارند؛ و اما الگوی اجتماعی معلولیت، برخی از مفاد دیدگاه فردی را به چالش کشیده و با مطرح کردن نظریه‌های مختلف، تعادلی میان نظریه‌ها ایجاد می‌کند که نتیجه آن نگاهی اجتماعی به تجربیات شخصی است (وهماس ۲۰۰۴).

#### کلیشه‌سازی: بازنمایی منفی

در کلیشه‌سازی برای اشخاص یا گروه‌ها معمولاً ویژگی‌هایی به آنان نسبت داده می‌شود که می‌تواند

سیستم آموزشی تفکیک شده (مدارس استثنایی) و دستیابی به مشاغل که در انحصار افراد غیر معلول است. عواقب این قصور، متوجه افراد دارای معلولیت است که تحت تبعیض نهادینه شده‌ای قرار گرفته‌اند که توسط جامعه بر آنان تحمیل شده است (الیور<sup>۲۱</sup>، ۱۹۹۵).

دیدگاه اجتماعی سعی دارد فاصله میان افرادی که به صدمه‌های جسمانی دچار شدند و اجتماع را کاهش دهد. موقعیت نامطلوب افراد معلول در اجتماع به علت آسیب‌های جسمانی این افراد نیست بلکه به دلیل ناهماهنگی و بی‌عدالتی موجود در اجتماع می‌باشد و به موانعی که در اجتماع افراد معلول را ناتوان می‌کند توجه می‌نماید. همانطور که جامعه می‌تواند موجب پایمال شدن حقوق فرد شود با ایجاد ساختارهای مناسب می‌تواند شرایط شکوفایی ابعاد وجودی انسان‌ها گردد (وهماس<sup>۲۲</sup>، ۲۰۰۴).

تقسیم‌بندی الگوهای معلولیت به دو الگوی فردی و اجتماعی

الگوی فردی<sup>۲۳</sup>، برآیند الگوهای اخلاقی و پزشکی مایکل الیور از مطرح شدن الگوهای متعدد و مختلف معلولیت مثل الگوی خیریه‌ای ۲۴ یا کلینیکی که عموماً غیرضروری به نظر رسیده و در واقع اکثر آن‌ها با یکدیگر هم‌پوشانی دارند انتقاد کرد. برداشت او این‌گونه بود که بهتر است الگوهای مختلف معلولیت را در دو گروه عمده و متمایز، فردی و اجتماعی قرار دهد از نظر او مدل پزشکی معلولیت نیز وجود نداشته و در واقع الگوها و مفاهیم پزشکی و اخلاقی، بخش قابل توجهی از همان مدل فردی معلولیت محسوب می‌شوند (الیور ۱۹۹۰).

از نظر او، الگوی فردی در گام نخست، مسئله و مشکل را در درون فرد معلول می‌بیند و در گام بعدی ریشه این مشکل را محدودیت‌های عملکردی یا کمبودهای روانی می‌داند که از معلولیت نشأت

معلولیت را طبق نظر نلسون، این‌گونه عنوان کرده است: «رقت‌انگیز، قربانی، قهرمان، عامل تهدید، ناسازگار، کسی که می‌بایست مراقبت و نگهداری شود، کسی که نباید زنده بماند.» (شوارتز<sup>۲۵</sup> ۲۰۱۰).

تداوم الگوی سنتی بازنمایی معلولیت

فیلم‌های بلند سینمایی تأثیرات بنیادینی بر روی نگرش عمومی نسبت به معلولیت دارند. آنچه که حائز اهمیت است این است که در مورد افراد دارای معلولیت، همیشه، بازنمایی مبتنی بر واقعیت و صحیح مدنظر و مورد توجه فیلم‌سازان نبوده است (نوردن<sup>۲۶</sup> ۱۹۹۴).

در عصر حاضر، به طور روزافزون ارزش‌ها و امتیازهای افراد «غیرمعلول» نسبت به افراد دارای معلولیت افزایش می‌یابد. ناتوانی به عنوان یک «مسئله» در مقابل ارزش‌های جامعه نمایش داده می‌شود تمام معیارهای زیبایی در بدنی ورزشکار و تنومند جلوه می‌کند و از کلیشه‌های منفی برای نشان دادن افراد دارای معلولیت استفاده می‌شود. (کمالی ۱۳۸۶)

در شرایطی که افراد دارای معلولیت حضور بسیار کم‌رنگی در رسانه‌های غالب امریکا دارند، به نظر می‌رسد الگوی سنتی بازنمایی معلولیت همچنان برقرار است. رسانه‌های امریکا در بازنمایی معلولیت، اغلب یکی از دو قطب «ترحم» و «قهرمان‌پروری» را انتخاب می‌کنند. مدافعان حقوق افراد دارای معلولیت این رویکرد اجتماعی به معلولیت را «تله ترحم/قهرمان‌پروری» یا «دوگانه ترحم/قهرمان‌پروری» می‌نامند (Media and disability 2012).

تا همین اواخر نیز، فیلم‌های محبوب، افراد دارای معلولیت را در نقش افرادی که زندگی خوبی داشته و مشارکت فعالانه در زندگی اجتماعی دارند به تصویر نکشیده است. به علاوه فیلم‌های محبوب کمتر افراد معلول را در نقش کسی که کار می‌کند، یکی از اعضای خانواده است، عاشق است و یا در هر نقش دیگری که

بی‌انتها و در نهایت بسیار متنوع باشد. نقش کلیشه‌ها این است که وسیله‌ای برای پیش‌بینی رفتار دیگران در اختیار ما قرار دهند، کلیشه‌ها اغلب مبتنی بر واقعیت نبوده و ناشی از تعمیم پاره‌ای از رفتارهای فردی بر یک گروه وسیع می‌باشد از سوی دیگر این کلیشه‌ها شیوه‌ای از رفتار را در برابر شخص کلیشه شده هم قرار می‌دهند کسی که به او برچسب مجرم زده می‌شود ممکن است از خود رفتارهایی متناسب با این برچسب بروز دهد (محسنی ۱۳۸۶).

### کلیشه‌سازی: بازنمایی منفی از معلولیت

Ableism، که به معنای تبعیض یا پیش‌داوری در مورد افراد دارای معلولیت به ویژه معلولیت جسمی است، شباهت زیادی به تبعیض نژادی و جنسیتی و همه‌ایسم‌هایی دارد که در رابطه با تبعیض است و غالباً صنعت فیلم‌سازی افراد دارای معلولیت را در راستای همان کلیشه‌هایی که این نوع تبعیض به وجود آورده نشان داده و به روند کلیشه‌سازی تداوم می‌بخشد (بلک و پریتز ۲۰۰۷).

حتی امروزه نیز در رسانه‌ها تصاویر کلیشه‌ای از افراد معلول نمایش داده می‌شود که یا در نقش اسطوره‌هایی هستند که می‌بایست از آنان درس گرفت و الگویی برای تشویق افراد دیگر به حساب می‌آیند یا موجوداتی رقت‌انگیز و قابل‌ترحم محسوب می‌شوند.

شوارتز از زبان شاپیرو این‌گونه بیان می‌کند «این تصاویر، توسط همه افراد چه افراد معلول و چه غیرمعلول درونی شده و در پی آن کلیشه‌های اجتماعی ساخته می‌شود، محدودیت‌های مصنوعی ایجاد کرده، منجر به تبعیض شده و پایه اقلیتی را می‌سازد که مورد انزجار افراد معلول است».

چندین سبک از کلیشه‌ها در مورد افراد معلول وجود دارد که در طول سالیان افکار عمومی را به رگبار بسته است. شوارتز، هفت کلیشه رایج در مورد



همچنان یک اصل اساسی در بازنمایی افراد معلول در فیلم‌های هالیوود بوده و سینمای هالیوود، برای خلق بازنمایی‌های معلولیت، همان کلیشه‌های رایج را که در فرهنگ وجود دارند، ترسیم می‌کند.» (حسینی ۱۳۹۱). البته باید اضافه کرد که برخی استدلال می‌کنند که این بازنمایی در طول زمان بهتر شده است و از طرفی هم عده‌ای از محققان معلولیت در امریکا معتقدند در طول دهه گذشته میزان نمایش افراد دارای معلولیت در رسانه‌های تصویری این کشور نسبت به دهه‌های قبل افزایش یافته و مخاطبان در ساعات اوج تماشای تلویزیون، گاه شاهد برنامه‌هایی هستند که افراد دارای معلولیت را به تصویر می‌کشد. از نگاه آن‌ها، پوشش جامعه افراد معلول در رسانه‌های غالب امریکا در حال افزایش است (حسینی ۱۳۹۱).

قاعداً فیلم‌های برتر تا به حال نتوانسته‌اند راه حلی برای حل معضل تبعیض و یا استقلال فردی افراد معلول ارائه دهند ولی نخستین گام‌ها را برای افزایش آگاهی مخاطب و همچنین نمایش مبتنی بر واقعیت از افراد معلول برداشته‌اند (سفران ۲۰۰۱).

با تصویب حقوق مدنی افراد معلول در دهه‌های گذشته و در کشورهای مختلف و جنبش‌هایی که به منظور تلفیق آموزشی و اجتماعی افراد معلول صورت گرفته به نظر می‌رسد که با ادامه روند حضور اجتماعی و تلفیق این افراد، موانع نگرشی، تحصیلی و غیره برچیده شده و این روند در تصاویر فیلم‌های آینده انعکاس پیدا کند (بلک و پریتز ۲۰۰۷).

نوردن می‌گوید «با وجود اینکه بررسی‌ها حاکی از آن است که تصویرسازی منفی در اکثر فیلم‌ها حکم‌فرما بوده، بازنمایی مثبت نیز در برخی از فیلم‌ها وجود داشته که امید است در آینده این روند پیش از پیش ادامه یابد.» (نوردن ۱۹۹۴).

معمولاً به افراد غیر معلول داده می‌شود نشان می‌دهند (بلک و پریتز ۲۰۰۷).

به نظر می‌رسد که بازنمایی معلولیت در رسانه‌های جمعی، در بیشتر کشورهای جهان اعم از توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه‌نیافته، از الگوهای نسبتاً مشابهی پیروی می‌کند.

میزان حضور در رسانه‌ها، تنها یکی از مشکلات افراد دارای معلولیت در ارتباط با رسانه‌های امریکا است. بخش دیگر نگرانی محققان معلولیت و جامعه افراد دارای معلولیت به این بازمی‌گردد که در اندک فیلم‌هایی که معلولیت را بازنمایی می‌کنند، افراد غیر معلول به جای افراد معلول ایفای نقش می‌کنند، زیرا تعداد هنرمندان دارای معلولیت اندک است و همان تعداد کم نیز به کار گرفته نمی‌شوند. از طرف دیگر، بازنمایی منفی و دور از واقع معلولیت در رسانه‌های جمعی، از دیگر نکاتی است که سال‌ها است مورد انتقاد محققان معلولیت و افراد دارای معلولیت قرار گرفته است (حسینی ۱۳۹۱).

در مجموع می‌توان گفت که استاندارد هالیوود مبنی بر نقش‌آفرینی افراد غیرمعلول به جای افراد معلول همچنان رایج است (که بیشتر سبب عصبانیت افراد معلول می‌شود) و شخصیت‌های معلول در درجه دوم اهمیت قرار داده می‌شوند (disaboom 2012).

دیوید مایکل و اسنایدر شارون با بررسی نوشته‌ها و آثار کسانی که دارای معلولیت هستند، نشان داده‌اند که معلولیت، بازنمایی منفی و منزجرکننده‌ای در آثار آن‌ها نداشته است. به راین اساس، آن‌ها چنین نتیجه گرفته‌اند که بازنمایی معلولیت به شیوه غالب و بر اساس کلیشه‌های منفی، حاصل کار افراد غیرمعلول بوده و هست.

افرادی چون مایکل اس. هایس و روندا اس. بلک بیان می‌کنند که: «عنصر ترحم حتی در مواردی که افراد دارای معلولیت به شکل مثبت‌تری نشان داده می‌شوند،

## روش تحقیق

بررسی و مشاهده فیلم نشان دهنده این است که فیلم «میم مثل مادر» منطبق با هر دو الگوی معلولیت فردی و اجتماعی ساخته شده است. با توجه به اینکه پس از مشاهده این فیلم یک مؤلفه از مؤلفه‌های الگوی فردی در آن مشاهده شد. این فیلم دارای کد «II» است و میزان انطباق آن با الگوی فردی کم می‌باشد. مؤلفه مشاهده شده الگوی فردی به قرار زیر است:

- مؤلفه ۲: معلولیت یک تراژدی شخصی و نقیصه است.

چهار مؤلفه از مؤلفه‌های الگوی اجتماعی در این فیلم مشاهده شد، این فیلم دارای کد «S2» است و میزان انطباق آن با الگوی اجتماعی معلولیت متوسط است. مؤلفه‌های مشاهده شده الگوی اجتماعی به قرار زیر است:

مؤلفه ۱: محدودیت‌ها و موانع اجتماعی برای فرد معلول وجود دارد که حضور او را در اجتماع مشکل می‌کند.

مؤلفه ۳: فرد معلول قادر به اداره زندگی خود و کسب موفقیت است.

مؤلفه ۴: با وجود مسائل و مشکلات فرد معلول به خود کمک می‌کند تا حضور و مشارکت اجتماعی داشته باشد.

مؤلفه ۵: فرد معلول قدرت تصمیم‌گیری و انتخاب دارد

مؤلفه ۱: الگوی فردی با میزان ۳۱/۸٪ بیشترین انعکاس را در این فیلم دارد.

مطالعه بر اساس تحلیل محتوای کمی بنا نهاده شد. در این پژوهش جامعه آماری فیلم‌های بلند سینمایی مربوط به دو دهه گذشته ایرانی و خارجی بود که برنده جوایز اسکار و یا برنده جوایزی در فستیوال‌های مختلف بودند، موضوع این فیلم‌ها کاملاً مرتبط با معلولیت و نقش اصلی آن در داستان فیلم، دارای معلولیت جسمی و یا حسی بود.

از میان لیست فیلم‌هایی که با توجه به شاخص‌های ذکر شده جمع‌آوری شده بود دو فیلم ایرانی و دو فیلم خارجی به روش تصادفی انتخاب و به عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفت.

واحد تحلیل در این پژوهش بر اساس دقیقه بوده است. تحقیق بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل اسنادی است. مؤلفه‌های مربوط به الگوهای مطرح معلولیت (الگوی فردی و اجتماعی) نظریه مایکل الیور توسط محقق مشخص گردید. همچنین برای مشخص شدن نوع و میزان کلیشه سازی از معلولیت در فیلم‌ها نظریه نلسون در این مورد به کار رفت. محتوای هر کدام از فیلم‌ها سه بار بررسی و میزان انطباق آن‌ها با چک لیست محقق ساخته که به تأیید متخصصان رسیده بود صورت گرفت.

## یافته‌های تحقیق

## تحلیل کمی فیلم ایرانی «میم مثل مادر»

جدول ۲: میزان انعکاس مؤلفه‌های الگوهای معلولیت در فیلم ایرانی میم مثل مادر

مؤلفه ۱	مؤلفه ۱	مؤلفه ۳	مؤلفه ۴	مؤلفه ۵	
الگوی فردی	الگوی اجتماعی	الگوی اجتماعی	الگوی اجتماعی	الگوی اجتماعی	
۷	۱	۴	۶	۴	فراوانی مصادیق
۳۱٫۸٪	۴٫۵٪	۱۸٫۱٪	۲۷٫۲٪	۱۸٫۱٪	درصد

### تحلیل کمی فیلم ایرانی «اینجا بدون من»

بررسی و مشاهده فیلم نشان دهنده این است که فیلم «اینجا بدون من» منطبق با هر دو الگوی معلولیت فردی و اجتماعی ساخته شده است.

با توجه به وجود سه مؤلفه از مؤلفه‌های الگوی فردی معلولیت، این فیلم دارای کد «I2» و میزان انطباق آن با الگوی فردی متوسط است.

مؤلفه‌های مشاهده شده الگوی فردی به قرار زیر است:

مؤلفه ۲: معلولیت یک تراژدی شخصی و نقیصه است.

مؤلفه ۳: دلیل عدم تعامل و حضور اجتماعی فرد معلول کمبودهای جسمی و روانی او است.

مؤلفه ۴: فرد معلول و اطرافیان او به دنبال درمان یا تغییر وضعیت ظاهری و فیزیکی او هستند و معلولیت به عنوان یک واقعیت پذیرفته نشده است.

فقط یک مؤلفه از مؤلفه‌های الگوی اجتماعی در این فیلم مشاهده شد. این فیلم دارای کد S3 و میزان انطباق آن با الگوی اجتماعی کم است.

مؤلفه مشاهده شده الگوی اجتماعی به قرار زیر است:

مؤلفه ۱: محدودیت‌ها و موانع اجتماعی برای فرد معلول وجود دارد که حضور او را در اجتماع مشکل می‌کند.

مؤلفه ۲: الگوی فردی با میزان ۴۱/۶٪ بیشترین انعکاس را در این فیلم دارد.

### تحلیل کمی فیلم خارجی «رقص در آب»

بررسی و مشاهده فیلم «رقص در آب» حاکی از این است که این فیلم منطبق بر الگوی اجتماعی معلولیت ساخته شده است. مؤلفه‌ای مرتبط با الگوی فردی در این فیلم مشاهده نشد.

با مشاهده شش مؤلفه از مؤلفه‌های الگوی معلولیت این فیلم دارای کد «S1» است و میزان انطباق آن با الگوی اجتماعی زیاد است. مؤلفه‌های مشاهده شده

الگوی اجتماعی در این فیلم به قرار زیر است:

مؤلفه ۱: محدودیت‌ها و موانع اجتماعی برای فرد معلول وجود دارد که حضور او را در اجتماع مشکل می‌کند.

مؤلفه ۳: فرد معلول قادر به اداره زندگی خود و کسب موفقیت است.

مؤلفه ۴: با وجود مسائل و مشکلات فرد معلول به خود کمک می‌کند تا حضور و مشارکت اجتماعی داشته باشد.

مؤلفه ۵: فرد معلول قدرت تصمیم‌گیری و انتخاب دارد.

مؤلفه ۶: فرد معلول وضعیت فیزیکی خود را پذیرفته است.

مؤلفه ۷: تغییرات اجتماعی و رفع موانع به منظور فرصت‌سازی برابر حق افراد معلول و وظیفه اجتماعی است

مؤلفه‌های ۵ و ۷ الگوهای اجتماعی معلولیت بیشترین انعکاس را در فیلم خارجی رقص در آب داشته‌اند.

جدول ۳: میزان انعکاس مؤلفه‌های الگوهای معلولیت در فیلم اینجا بدون من

کل	مؤلفه ۱ الگوی اجتماعی	مؤلفه ۴ الگوی فردی	مؤلفه ۳ الگوی فردی	مؤلفه ۲ الگوی فردی	
۱۲	۱	۴	۲	۵	فراوانی مصادیق
۱۰۰	۸٫۳٪	۳۳٫۳٪	۱۶٫۶٪	۴۱٫۶٪	درصد

جدول ۴: میزان انعکاس مؤلفه‌های الگوهای معلولیت در فیلم رقص در آب

مؤلفه ۱ الگوی اجتماعی	مؤلفه ۲ الگوی اجتماعی	مؤلفه ۳ الگوی اجتماعی	مؤلفه ۴ الگوی اجتماعی	مؤلفه ۵ الگوی اجتماعی	مؤلفه ۶ الگوی اجتماعی	مؤلفه ۷ الگوی اجتماعی	فراوانی مصادیق
۲	۴	۲	۵	۲	۵	۲۰	
%۱۰	%۲۰	%۱۰	%۲۵	%۱۰	%۲۵	۱۰۰	درصد

## تحلیل کمی فیلم خارجی «موسیقی درون»

مؤلفه ۵: فرد معلول قدرت تصمیم‌گیری و انتخاب

دارد.

فیلم «موسیقی درون» منطبق با الگوی اجتماعی

مؤلفه ۶: فرد معلول وضعیت فیزیکی خود را پذیرفته

است.

معلولیت ساخته شده است و مؤلفه‌ای مرتبط با الگوی فردی در آن مشاهده نشده است.

مؤلفه ۷: تغییرات اجتماعی و رفع موانع به منظور

فرصت‌سازی برابر حق افراد معلول و وظیفه اجتماعی

است.

هر هفت مؤلفه الگوی اجتماعی در فیلم موسیقی

درون مشاهده شد و این فیلم دارای کد S1 است بدین

معنا که میزان انطباق آن با الگوی اجتماعی بالا است.

مؤلفه ۱ الگوی اجتماعی با میزان ۳/۲۶٪ بیشترین

انعکاس را در این فیلم دارد.

مؤلفه‌های مشاهده شده الگوی اجتماعی در این فیلم به قرار زیر است:

مؤلفه ۱: محدودیت‌ها و موانع اجتماعی برای فرد

معلول وجود دارد که حضور او را در اجتماع

مشکل می‌کند.

فیلم‌ها منتخب و کلیشه‌های موجود در آنها

در فیلم سینمایی «میم مثل مادر»، کودک دارای

معلولیت فیلم در سه کلیشه افراد معلول به عنوان

کسانی که بهتر است بمیرند تا زنده باشند، افراد معلول

به عنوان بار و تحمیل به جامعه و افراد معلول به عنوان

کسانی که قادر به داشتن زندگی موفق نیستند، نمایش

داده شده است.

مؤلفه ۲: فرصت برابر با دیگر افراد جامعه برای فرد معلول وجود ندارد.

مؤلفه ۳: فرد معلول قادر به اداره زندگی خود و کسب موفقیت است.

مؤلفه ۴: با وجود مسائل و مشکلات فرد معلول به خود کمک می‌کند تا حضور و مشارکت اجتماعی داشته باشد.

جدول ۴: میزان انعکاس مؤلفه‌های الگوهای معلولیت در فیلم موسیقی درون

مؤلفه ۱ الگوی اجتماعی	مؤلفه ۲ الگوی اجتماعی	مؤلفه ۳ الگوی اجتماعی	مؤلفه ۴ الگوی اجتماعی	مؤلفه ۵ الگوی اجتماعی	مؤلفه ۶ الگوی اجتماعی	مؤلفه ۷ الگوی اجتماعی	فراوانی مصادیق
۱۰	۳	۵	۷	۴	۲	۷	۳۸
%۲۶,۳	%۷,۸	%۱۳,۱	%۱۸,۴	%۱۰,۵	%۵,۲۶	%۱۸,۴	۱۰۰

برابر است و هم به صورت مادرزادی نمایش داده شده است.

فیلم «اینجا بدون من» نیز حاوی کلیشه در رابطه با معلولیت است با این تفاوت که در انتهای آن تماشاگر پیامی که حامل اصلاح این کلیشه‌ها و غیرواقعی بودن آن‌ها باشد دریافت نمی‌کند. فیلم بیشتر مبتنی بر الگوی فردی ساخته شده است و معلولیت به صورت مشکلی نمایش داده شده است که از بدو تولد در فرد وجود دارد. با وجود اینکه نویسنده تحقیق حاضر، جزو مشاوران حوزه معلولیت این فیلم بود و تأکید بر بازنمایی مبتنی بر واقعیت و نشان دادن موانع اجتماعی حضور و مشارکت افراد معلول داشت متأسفانه، در ساخت فیلم، اقدام مفید و قابل محسوس در این راستا به عمل نیامده است. بازنمایی معلولیت در این فیلم مبتنی بر واقعیت نیست به ویژه صحنه‌ای که در آن پلدا بدون عصا راه می‌رود و بهبودی نسبتاً زیادی یافته امری است که احتمال وقوع آن از نظر پزشکی بسیار ضعیف بوده و بیشتر مبین فرار و گریز از معلولیت به عنوان یک نقص است. این صحنه القاگر این مسئله است که ارزش‌ها، امتیازها و زیبایی‌ها را می‌بایست صرفاً در بدن افراد غیرمعلول یافت.

فیلم خارجی «رقص در آب»، به یک کلیشه در بازنمایی افراد دارای معلولیت اشاره دارد که آن هم فقط در مورد یکی از شخصیت‌های دارای معلولیت فیلم نمایش داده شده است و شخصیت‌های معلول به خصوص شخصیت اصلی حامل پیام مبتنی بر کلیشه نیست. این فیلم بر مبنای الگوی اجتماعی معلولیت ساخته و پرداخته شده است. تأکید فیلم بر گذار از الگوی فردی است بدون آنکه مصداقی مبتنی بر آن به نمایش گذارد.

فیلم خارجی «موسیقی درون» تنها فیلم مورد تحلیل این پژوهش است که کلیشه سازی در آن انجام نگرفته است و انطباق کامل با الگوی اجتماعی معلولیت دارد. مصادیق بسیار زیادی در رابطه با مؤلفه‌های این الگو می‌توان در فیلم مشاهده کرد و بازنمایی افراد معلول به

در فیلم سینمایی «اینجا بدون من»، دختر دارای معلولیت فیلم در سه کلیشه افراد معلول اشخاصی رقت‌انگیز و قابل ترحم، افراد معلول به عنوان بار و تحمیل به جامعه و افراد معلول به عنوان کسانی که قادر به داشتن زندگی موفق نیستند، نمایش داده شده است.

در فیلم سینمایی «رقص در آب»، افراد دارای معلولیت زیادی ایفای نقش می‌کنند چرا که داستان فیلم در محیط بیمارستان اتفاق می‌افتد. یک کلیشه از هفت کلیشه بازنمایی معلولیت در این فیلم و در مورد یکی از این اشخاص به نمایش درمی‌آید. این فرد در کلیشه افراد معلول به عنوان اشخاصی که با خود ناسازگاری و دشمنی دارند به نمایش درمی‌آید.

در فیلم سینمایی «موسیقی درون» کلیشه‌سازی از افراد معلول صورت نگرفته است.

### بحث و مقایسه فیلم‌ها

در رابطه با فیلم‌های ایرانی که در تحقیق حاضر مورد تحلیل قرار گرفتند می‌بایست اذعان کرد که فیلم «میم مثل مادر» با وجود نمایش دادن کلیشه در مورد معلولیت سعی در هدایت اذهان به سمت الگوی اجتماعی معلولیت دارد. نوع نگاه فیلم بر آن است تا به مخاطب نشان دهد کلیشه‌های نمایش داده شده درست و صحیح نمی‌باشد. ابتدا، فیلم، با بازنمایی منفی از معلولیت و سپس با بازنمایی مثبت و نشان دادن توانمندی‌های شخصیت دارای معلولیت به صورت عملی تماشاگر را با خود همراه می‌کند تا در انتهای فیلم، خود، پی به پیام مثبت آن ببرد و نادرست بودن این کلیشه‌ها برایش اثبات گردد. انعکاس فیلم از معلولیت بر مبنای الگوی فردی بسیار کم است و این مورد نیز فقط به منظور نشان دادن نادرست بودن چنین نگرشی به نمایش درآمده است. معلولیت در این فیلم هم به صورت امری که امکان احتمال آن برای همه

گیرد که در آن نگاهش رو به جلو باشد و به نگرش‌های معیوب گذشته بازنگردد، حتی، به منظور متذکر شدن اشتباه و نادرستی آن‌ها. شاید بتوان از این طریق اثر و ردپاهای منفی پیشین را پالود بدون آنکه بیدار و یادآوری‌شان کرد. چنین اقدامی در فیلم‌های خارجی مورد بررسی محقق صورت گرفته است ولی به نظر بازنمایی عادی معلولیت گام بعدی است که راه درازی تا محقق شدن کامل آن در رسانه‌ها باقی است.

به زعم نویسندگان، بعد از اینکه برچسب‌ها و کلیشه‌ها جای خود را به پیام‌ها و نمادهای مثبت دادند فضا و امکان آن وجود خواهد داشت که معلولیت در زندگی عادی جوامع، ساری و جاری باشد و نوبت به بازنمایی عادی خواهد رسید. در واقع همان روندی که در رابطه با انعکاس و تصویرسازی از سیاه پوستان در رسانه‌ها به ویژه تلویزیون و آثار سینمایی طی شد.

زمانی بازنمایی سیاه پوستان به صورت منفی بود. سپس انعکاس مبارزات و تلاش‌های جامعه سیاه پوستان برای احقاق حقشان محور اصلی فیلم‌ها شد و امروزه افراد سیاه پوست و حضورشان در فیلم‌ها واقعیتی است عادی و پذیرفته شده.

تصویرسازی و بازنمایی از معلولیت نیز زمانی عادی قلمداد می‌شود که حضور این افراد در رسانه‌ها به صورت غیرمستقیم ولی دائمی باشد. یکی از اعضای خانواده باشند نه لزوماً دارای نقش اول فیلم، مرادوات آنان در کنار دیگر بازیگران به تصویر در آید، صاحب شغل یا در حین تحصیل نمایش داده شوند، مسائل، درگیری‌های روزانه و غم‌ها و شادی‌های آنان نیز همچون افراد غیر معلول طبیعی و عادی قلمداد شده و منعکس شود.

به نظر نویسندگان، اقدام به چنین تصویرسازی در برخی از سریال‌های آمریکایی مانند لاست<sup>۲۷</sup> و شکست بد<sup>۲۸</sup> به عمل آمده ولی هنوز فراگیر و گسترده نشده است.

صورت مثبت است. به نظر نویسنده، از آنجا که داستان فیلم بر اساس واقعیت است، تصاویری مبتنی بر تلاش افراد معلول در راستای احقاق حقوقشان به تصویر در آمده و انعکاس غیرواقعی از معلولیت در آن صورت نگرفته است می‌تواند به عنوان نمونه موفق فیلم‌سازی در حوزه معلولیت معرفی و ارزیابی شود.

متأسفانه، در هیچ کدام از فیلم‌های مورد تحلیل این تحقیق از هنرپیشه دارای معلولیت استفاده نشده است و تمامی هنرپیشگان در نقش فرد دارای معلولیت حاضر شده‌اند. عدم حضور هنرپیشه معلول در فیلم‌های سینمایی مسأله‌ای است که همچنان در پروژه‌های فیلم‌سازی به قوت خود باقی است و اقدام مؤثری در راستای رفع آن صورت نگرفته است.

### نتیجه‌گیری

رسانه‌ها تأثیر عمیقی بر درک عمومی مردم از موضوعات مختلف دارند. اگر موضوعی در رسانه‌ها به ویژه تلویزیون مطرح نشود اکثر مردم گمان می‌کنند که وجود ندارد. معلولیت و مسائل موجود در آن نیز از این قاعده مستثنی نیست. ارائه آموزش‌های صحیح، احترام به تفاوت موجود در افراد معلول و نمایش تجربه‌های متفاوت در کنار توانمندی‌های آنان، اذعان به این واقعیت است که معلولیت بخشی از زندگی روزمره بوده و برای رسانه‌هایی که مایل‌اند این مسئله را انعکاس دهند لازم است که برچسب‌های توهین آمیز معلولیت را زدوده و آن را به صورت مسئله‌ای عادی به نمایش گذارند.

اما به نظر نویسندگان، الگوهای قدیمی و منفی بازنمایی معلولیت و نگرش‌های نادرست پیشین آنچنان قوی در اذهان رسوخ پیدا کرده و صلب و سخت جای گرفته‌اند که می‌بایست ابتدا برای زدودنشان بازنمایی مثبت از معلولیت ارائه شود. تأثیر این کار زمانی دوچندان می‌شود که فیلم‌ساز سبک و رویه‌ای به کار

### منابع و مأخذ

- 1) باختر، احمد (۱۳۸۶). حقوق معلولان در قوانین ایران. تهران: جنگل جاودانه.
- 2) حسینی، نگین (۱۳۹۱). اقلیت نامرئی در رسانه‌های غالب. ماهنامه مدیریت ارتباطات.
- 3) کمالی، محمد (۱۳۸۶). رسانه و ناتوانی (معلولیت). فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی. شماره ۴۹.
- 4) کمالی، محمد (۱۳۸۳). ناتوانی و حقوق بشر. فصلنامه رفاه اجتماعی. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. سال سوم، شماره ۱۳.
- 5) مظفری، افسانه (۱۳۸۸). تحلیل محتوای فیلم دو زن. پژوهش‌نامه علوم اجتماعی. سال سوم، شماره دوم.
- 6) محسنی، منوچهر (۱۳۸۶). بررسی در جامعه‌شناسی فرهنگ ایران. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- 7) Black, Rhonda S. & Pretes, Lori (2007) Victims and Victors: Representation of Physical Disability on the Silver Screen, Research & Practice for Persons with Severe Disabilities, Vol. 32, No. 1, pp 66–83
- 8) Byrd, E. K. (1989). A study of film depiction of specific characteristics of characters with disability in film. Journal of Applied Rehabilitation Counseling, 20, 43Y44.
- 9) Carter, L. L (2005, March) better dead than disabled?
- 10) Fernald, W. E. (1912) The burden of the feeble-minded. Journal of Psycho – Asthenics.
- 11) Goodley, D. (2011) Disability Studies: an Interdisciplinary Introduction. Sage publication, Chapter 1
- 12) Hallera, B. (2006, January) Media labeling versus the US disability community identity: a study of shifting cultural language Disability & Society Vol. 21, No. 1, January 2006, pp. 61–75.
- 13) Morris, J. (1991) Pride Against prejudice: Transforming Attitude to Disability. The warden's press LTD.
- 14) Norden, M. E (1994) the cinema of isolation: A history of physical disabilities

امید است یافته‌های این تحقیق گام مؤثر و کوچکی در راستای یافتن الگوی صحیح بازنمایی معلولیت در رسانه‌های تصویری کشورمان ایران و ایجاد نگرش مبتنی بر واقعیت نسبت به افراد معلول باشد.

### پیشنهاد‌های تحقیق

- فیلم ایرانی «اینجا بدون من» می‌تواند به عنوان فیلم آموزشی به کار رود که نقاط منفی موجود در آن شناسایی و از چنین بازنمایی‌هایی در فیلم‌های ایرانی دیگر پرهیز شود.
- فیلم خارجی «موسیقی درون» می‌تواند به عنوان یک الگوی موفق به برنامه‌سازان و کارگردان‌ها معرفی شود.
- حضور مشاور دارای معلولیت در فرآیند ساخت فیلم‌های مرتبط کاملاً ضروری است و تأثیرگذاری این مشاوره‌ها منوط به توجه و به بهره‌گیری از نقطه نظرات این افراد در بازنمایی مثبت از معلولیت است.

### پیشنهاد‌های پژوهشی

- 1) در پژوهش‌های آتی می‌توان سریال‌های تلویزیونی شبکه تلویزیونی ایران و میزان بازنمایی منفی از معلولیت در آن‌ها را مورد ارزیابی و تحلیل قرار داد.
- 2) به منظور مقایسه نگرش و دیدگاه‌های کارگردانان ایرانی با الگوهای معلولیت و با توجه به این مسئله که شعار سازمان ملل در روز جهانی افراد دارای معلولیت در سال ۲۰۰۴ «بدون ما، برای ما، هرگز!» بوده پیشنهاد می‌شود که در تحقیقی، با کارگردان‌های مطرح در حوزه معلولیت ایران مانند آقایان مجید مجیدی، بهمن قبادی و خانم پوران درخشنده مصاحبه شده و نوع نگاه این فیلم‌سازان به معلولیت با نقطه نظرات افراد معلول در رابطه با نحوه بازنمایی‌شان مقایسه گردد.

[org/English/about/publications/docs/exclusion\\_equality\\_disabilities.pdf](http://www.disabled-world.org/English/about/publications/docs/exclusion_equality_disabilities.pdf)

- 27) disabled-world site:  
 28) <http://www.disabled-world.com/definitions/disability-models.php#ixzz1kPnVbPAH>  
 29) Michigan Disability Rights Coalition:  
 30) <http://www.copower.org/models-of-disability.html>  
 a. UN enable site:  
 31) <http://www.un.org/disabilities/default.asp?navid=22&pid=109>
- in the movies. New Brunswick, NJ: Rutgers University Press.  
 15) Oliver, M. (1995) Understanding disability from theory to practice. The University of Greenwich St. Martin's Press, New York.  
 16) Oliver, M. (1990, July) the individual and social model of disability. Paper presented at Joint Workshop of the Living Options Group and the Research Unit of the Royal College of Physicians.  
 17) Schwartz, D. (2010) Dispelling Stereotypes: Promoting Disability Equality through Film, *Disability & Society*, v25 n7 pp841-848.  
 18) Safran, S. P. (2001) Movie Images of Disability and War: Framing History and Political Ideology, Remedial and Special Education. Available online at: <http://rse.sagepub.com/cgi/content/abstract/22/4/223>  
 19) Safran, S. P. & Educ, j. (1998) The First Century of Disability Portrayal in Film: An Analysis of the Literature, THE JOURNAL OF SPECIAL EDUCATION VOL. 31/NO. 4/1998/PP. 467-479 Available online at: <http://sed.sagepub.com/content/31/4/467>  
 20) Vehmas, S. (2004) Dimensions of disability. Cambridge Quarterly of Healthcare Ethics, Volume 13, Issue 01 / pp 34- 40 available at: [http://journals.cambridge.org/abstract\\_S0963180104131071](http://journals.cambridge.org/abstract_S0963180104131071)  
 21) <http://www.mediaanddisability.org/presentacion.html>  
 22) <http://www.disaboom.com/television/disability-characters-on-tv-whos-getting-it-and-whos-missing-the-mark>  
 23) Media Guide Lines for the portrayal of disability ILO, (2010) Available online at: [www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/-.../wcms\\_127002.pdf](http://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/-.../wcms_127002.pdf)  
 24) Convention on the rights of the persons with disabilities(2007) Geneva, ohchr available at: [www.ohchr.org](http://www.ohchr.org)

### یادداشت‌ها

<sup>۱</sup> می‌توان از واژه‌های سالم، عادی و توانمند هم استفاده کرد اما در مقایسه با افراد دارای معلولیت مناسب‌تر است که از واژه افراد غیرمعلول سود جست (Nondisabled)

<sup>1</sup> Morris

<sup>3</sup> International Labor Organization (ILO)

<sup>4</sup> Disability Studies

<sup>5</sup> Carter

<sup>1</sup> Black

<sup>1</sup> Pretes

<sup>1</sup> Safran & Educ

<sup>1</sup> Byrd

<sup>10</sup> Disability Models

<sup>11</sup> Moral Model

<sup>12</sup> Goodley

<sup>13</sup> Medical Model

<sup>14</sup> Fernald

<sup>15</sup> Naido

<sup>16</sup> Social Model

<sup>1</sup> Paradigmatic leap

<sup>18</sup> Exclusion

<sup>19</sup> Disable People Organization

<sup>20</sup> Disability Rights Model

<sup>1</sup> Oliver

<sup>1</sup> Vehmas

<sup>23</sup> Individual Model

<sup>24</sup> Charity Model

<sup>1</sup> Schwartz

<sup>1</sup> Norden

<sup>1</sup> Lost

<sup>1</sup> Breaking Bad



### پیوست جداول

جدول ۱: مؤلفه‌های الگوی فردی معلولیت (مایکل الیور ۱۹۹۵)

مؤلفه‌های الگوی فردی معلولیت
۱- مسبب و دلیل اصلی معلولیت خود فرد دارای معلولیت است.
۲- معلولیت یک تراژدی شخصی و نقیصه است.
۳- دلیل عدم تعامل و حضور اجتماعی فرد معلول کمبودهای جسمی و روانی او است.
۴- فرد معلول و اطرافیان او به دنبال درمان یا تغییر وضعیت ظاهری و فیزیکی او هستند و معلولیت به عنوان یک واقعیت پذیرفته نشده است.
۵- فرد معلول قدرت تصمیم‌گیری ندارد.
۶- نگرش نسبت به او از موضع بالاتر و توأم با دلسوزی است.
۷- فرد معلول اکثراً بستری و در حال مراقبت شدن است.

جدول ۲: مؤلفه‌های الگوی اجتماعی معلولیت (مایکل الیور ۱۹۹۵)

مؤلفه‌های الگوی اجتماعی معلولیت
۱- محدودیت‌ها و موانع اجتماعی برای فرد معلول وجود دارد که حضور او را در اجتماع مشکل می‌کند.
۲- فرصت برابر با دیگر افراد جامعه برای فرد معلول وجود ندارد.
۳- فرد معلول قادر به اداره زندگی خود و کسب موفقیت است.
۴- با وجود مسائل و مشکلات فرد معلول به خود کمک می‌کند تا حضور و مشارکت اجتماعی داشته باشد.
۵- فرد معلول قدرت تصمیم‌گیری و انتخاب دارد.
۶- فرد معلول وضعیت فیزیکی خود را پذیرفته است.
۷- تغییرات اجتماعی و رفع موانع به منظور فرصت‌سازی برابر حق افراد معلول و وظیفه اجتماعی است.

جدول ۳: چک‌لیست محقق ساخته با توجه به الگوی فردی معلولیت

کدگذاری	مصادیق عینی در فیلم	مؤلفه‌ها	طبقه‌بندی
I 1 در صورت وجود مصادیق برای تمامی ۶ مورد از مؤلفه‌ها		۱- مسبب و دلیل اصلی معلولیت خود فرد معلول است.	میزان انطباق فیلم با الگوی فردی معلولیت بالا است.
		۲- معلولیت یک تراژدی شخصی و نقیصه است.	
		۳- دلیل عدم تعامل و حضور اجتماعی فرد معلول کمبودهای جسمی و روانی او است.	
		۴- فرد معلول و اطرافیان او به دنبال درمان یا تغییر وضعیت	
I 2 در صورت وجود مصادیق برای ۴ یا ۳ مورد از مؤلفه‌ها		ظاهری و فیزیکی او هستند، معلولیت او به عنوان یک واقعیت پذیرفته نشده است.	میزان انطباق فیلم با الگوی فردی معلولیت متوسط است.
		۵- فرد معلول قدرت تصمیم‌گیری ندارد.	
		۶- نگرش نسبت به او از موضع بالاتر و توأم با دلسوزی است.	
		۷- فرد معلول اکثراً بستری و در حال مراقبت شدن است.	
I 3 در صورت وجود مصادیق برای ۲ یا ۱ مورد از مؤلفه‌ها			میزان انطباق فیلم با الگوی فردی معلولیت کم است

جدول ۴: چک‌لیست محقق‌ساخته با توجه به الگوی اجتماعی معلولیت

کدگذاری	مصادیق عینی در فیلم	مؤلفه‌ها	طبقه‌بندی
S1	در صورت وجود مصادیق برای تمامی یا ۶ مورد از مؤلفه‌ها	۱- محدودیت‌ها و موانع اجتماعی برای فرد معلول وجود دارد که حضور او را در اجتماع مشکل می‌کند. ۲- فرصت برابر با دیگر افراد جامعه برای فرد معلول وجود ندارد.	میزان انطباق فیلم با الگوی اجتماعی معلولیت زیاد است.
S2	در صورت وجود مصادیق برای ۳ یا ۴ مورد از مؤلفه‌ها	۳- فرد معلول قادر به اداره زندگی خود و کسب موفقیت است. ۴- با وجود مسائل و مشکلات، فرد معلول به خود کمک می‌کند تا حضور و مشارکت اجتماعی داشته باشد. ۵- فرد معلول قدرت تصمیم‌گیری و انتخاب دارد. ۶- فرد معلول وضعیت فیزیکی خود را پذیرفته است.	میزان انطباق فیلم با الگوی اجتماعی معلولیت متوسط است.
S3	در صورت وجود مصادیق برای ۱ یا ۲ مورد از مؤلفه‌ها	۷- تغییرات اجتماعی و رفع موانع به منظور فرصت‌سازی برابر حق افراد معلول و وظیفه اجتماعی است.	میزان انطباق فیلم با الگوی اجتماعی معلولیت کم است.

جدول ۵: کلیشه‌های معلولیت (بر اساس نظر نلسون ۱۹۹۴)

ارزیابی		تعریف
منفی (-)	مثبت (+)	
		۱- افراد معلول اشخاصی رقت‌انگیز و قابل ترحم
		فرد معلول همچون کودکی نمایش داده می‌شود که کفایت لازم را ندارد، مخاطب با دیدن او حس ترحم و دلسوزی می‌کند.
		۲- افراد معلول انسان‌های باورنکردنی و فوق‌ستاره
		فرد معلول با شجاعت زیاد بر معلولیت خود غلبه می‌کند و تصویری قهرمانانه از او ارائه می‌شود.
		۳- افراد معلول انسان‌هایی شرور، شیطانی و جنایتکار
		فرد معلول به صورت شیطان، هیولایی خطرناک و غیرانسانی نمایش داده می‌شود.
		۴- افراد معلول به عنوان کسانی که بهتر است بمیرند تا زنده باشند.
		فرد معلول ارزش زنده ماندن ندارد و معلولیت غیرقابل تحمل است.
		۵- افراد معلول، کسانی که با خود ناسازگاری و دشمنی دارند.
		تلخ و مملو از ترحم به خود چون قادر به کنترل زندگی خود نیست و نیاز به راهنمایی و توجه افراد غیرمعلول دارد.
		۶- افراد معلول به عنوان بار و تحمیل اعضای جامعه است.
		فرد معلول باری بر روی دوش خانواده، دوستان و در کل
		۷- افراد معلول به عنوان کسانی که قادر به داشتن زندگی موفق نیستند.
		نمی‌تواند شاد و خوشبخت زندگی کند به ندرت در صحنه‌هایی که مشغول به کار است، روابط اجتماعی دارد و لذت می‌برد نمایش داده می‌شود.